

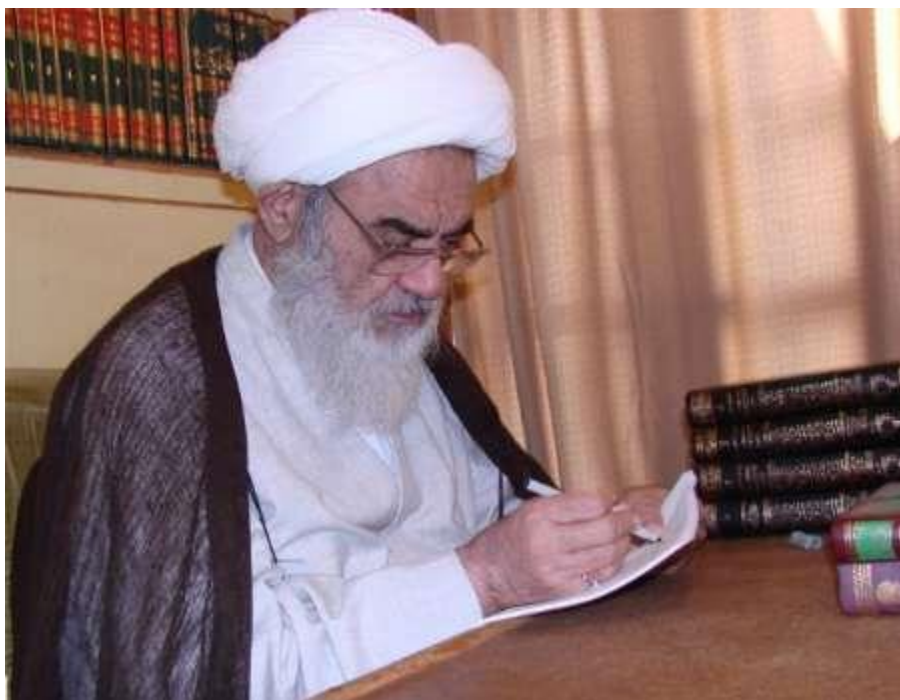
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس اخلاق

موضوع: اخلاق از نظر قرآن و روایات حضرت آیت الله مظاهری دامت برکاته

جلسه بیست و ششم

عنوان درس: صبر (۲)



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ أَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

خدا توفیق عبادت و بندگی و ترک معصیت و توفیق تهذیب نفس به همه ما همیشه عنایت بفرماید.

بحث ما دربارهٔ رذالت جزع و فزع بود، که ضد آن هم صبر و استقامت است. مقداری در این باره صحبت کردم و چون بحث خیلی مهم است مقدار بیشتری صحبت کنیم.

قرآن بیش از صد جا راجع به صبر و استقامت صحبت کرده است. در جلسهٔ قبل صبر و استقامت را منقسم کردم به سه قسم.

صبر در مصیبت، صبر در معصیت، صبر در اطاعت. که خواه ناخواه هرکدام از اینها ضدی دارد و آن جزع و فزع در مصیبت و استقامت نداشتن در عبادت و یا خود را باختن در وقت معصیت.

در جلسهٔ قبل گفتم توجه به این مطلب داشته باشید که صبر و استقامت امر الفضائل است؛ هرکه بخواهد هر فضیلتی را به دست بیاورد، باید صبر و استقامت داشته باشد. آن جزع و فزع را نداشته باشد، کار می‌خواهد تا صبر پیدا کند. وقتی صبر و استقامت پیدا کرد، جزع و فزع و آن بی شخصیتی از بین می‌رود. لذا خود این صبر کار دارد و ریاضت‌های دینی می‌خواهد و کمک گرفتن از خدا و امام زمان می‌خواهد که انسان ولو بتواند مرتبهٔ ضعیف این صبر و استقامت را پیدا کند. و

بگویم که هرکه صبر و استقامت نداشته باشد، بیچاره است. روز اول می‌گفتم که هم چوب را می‌خورد و هم پیاز را. هم مصیبت را می‌چشد و هم پاداش ندارد. کسی که صبر نداشته باشد، بدبختی دنیا را دارد و بدبختی آخرت را هم دارد و فضیلتی هم نمی‌تواند به دست بیاورد؛ و چون امر خیلی مهم است، در قرآن روی آن خیلی تأکید شده است.

خدا سوره یوسف را برای همین نازل کرده است. سوره یوسف یک معلم اخلاق است. بزرگی یک جمله شیرینی می‌گوید. من از جوان‌ها تقاضا دارم که همیشه این جمله در نظرشان باشد. می‌گوید یوسف آدمی بود که اول هیچ چیز نداشت. نه مالی داشت و نه قدرتی داشت و نه پشتوانه‌ای داشت و حتی خودش هم از خودش نبود. بالاخره برادرهای ناجنس و رذل، او را به عنوان یک بنده فروختند و زلیخا او را خرید. اما یک چیز داشت و آن صبر و استقامت بود. صبر در مقابل معصیت، صبر در مقابل عبادت، صبر در مقابل مصیبت. این بزرگ می‌گوید همین صبر، یوسف را به جایی رساند که اگر دنیا پشت به پشت یکدیگر کنند و بخواهند یک نفر را اینقدر بزرگ کنند که صبر و استقامت یوسف او را بزرگ کرد، نمی‌توانند. رسید به آنجا که علاوه بر سلطنت و عزتش، توانست یک مملکتی را از مضیقه به رفاه برساند. بعد می‌گوید و اما زلیخا یک زنی بود که هرچه می‌خواست داشت. امکاناتش در سرحد اعلی و قدرت در سرحد اعلی و شوهر و جاهت و شخصیت در حد اعلی بود و هرچه یک زن می‌خواست، زلیخا داشت؛ اما یک چیز نداشت و آن صبر و استقامت بود. صبر در مقابل گناه و صبر در به‌دست آوردن عفت و صبر در مقابل مصائب روزگار را نداشت. اگر دنیا پشت به پشت یکدیگر کرده بودند و می‌خواست زلیخا را زمین بزنند، اینقدر که بی‌عفتی و بی‌صبری او را زمین زد، بیش از این نمی‌توانستند.

صبر و استقامت انسان را به جایی می‌رساند که به جز خدا نداند. جزع و فزع در مقابل خدا و از هم گمشدگی و شهوت و غضب بر او غلبه کرد و بالاخره نداشتن صبر و داشتن جزع و فزع و بی‌ظرفیتی که قرآن اسمش را هُلوع یعنی سبک‌سر گذاشته بود.

سوره یوسف یک معلم اخلاق است. برادرهای یوسف نزد یوسف آمدند و یوسف را شناختند. معلوم است که خیلی خجالت‌زده شدند. حضرت یوسف یک جمله دارد که قرآن آن جمله را نقل می‌کند. برای اینکه آنها خیلی هم خجالت نکشند و تقصیر را صددرصد گردن خودشان نیندازند، حضرت یوسف به آنها گفتند:

«مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» [۱]

برادرهای من! آیا می‌دانید من چرا به اینجا رسیدم؟ به خاطر تقوا و صبر و استقامت در مقابل معصیت. معصیت بزرگ بود و همه را به زانو در می‌آورد، اما ایستادگی یوسف در مقابل معصیت، فرمود این مرا به این مقام رساند. مفهومش اینست که به خاطر بی‌تقوایی به این ذلت افتادید که برای مقداری جو نزد من آمدید. حسادتتان شما را زمین زد و جزع و فزع شما را رساند به آنجا مرا در چاه انداختید. همین یک جمله «مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» به ما می‌گوید اگر دنیا می‌خواهد با صبر و استقامت، اگر سیر و سلوکی و اخلاقی هستی دو در اخلاق کار می‌کنید، ابزارش صبر و استقامت است. مواظب باشید جزع و فزع در کار نباشد.

اگر آخرت هم می‌خواهی، پاداش همه به اندازه است اما پاداش کسی که صابر باشد، بی‌اندازه است. قرآن می‌فرماید:

«إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» [۲]

نماز یک اندازه پاداش دارد و روزه یک اندازه پاداش دارد و مابقی عبادات نیز یک اندازه پاداش دارد اما آنچه بی حساب پاداش دارد، صبر و استقامت است. صبر در مقابل مصائب، صبر در مقابل معصیت و صبر در مقابل عبادت. هر سه مشکل است اما «إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»

معلوم است که نماز اول وقت و نماز صبح به جماعت و روزه ماه رمضان در روزهای گرم و حتی برای کسی که کار کارگری دارد، مشکل است؛ خمس دادن مشکل است، لذا بسیاری از مردم اصفهان خمس نمی دهند. اما اگر دنیا می خواهید با صبر و استقامت، لااقل پروردگار به کسی که خمس می دهد دو برابر می دهد یا اگر بناست که او ورشکسته شود، او را ورشکسته نمی کند. کسی که نماز اول وقت می خواند بالاخره خدا یک جا جبران می کند. مثلاً موقع نماز مغازه را می بندد و برای نماز می رود و ده تا مشتری از دستش می رود، اما وقتی نماز را خواند و در مغازه را باز کرد، یک مشتری می آید و تلافی ده مشتری را درمی آورد. نمی شود که اینطور نباشد و خدا وعده داده است. نمی شود که انسان دنیایش را فدای آخرت کند و خدا جبران نکند. خدا حتماً جبران می کند. صبر در عبادت مشکل است، اما خیلی پاداش دارد. آنکه نماز شب می خواند و نماز را در مسجد به جماعت می خواند، مثل کسی است که در خط مقدم جبهه در راه خدا به شهادت برسد. معلوم است که لذت خواب برایش بیشتر است و رفتن به مسجد مشکل است. اما پیغمبر اکرم به آن شخص کور گفت نماز صبح را تعطیل نکن و نگو که نمی توانم و کسی را ندارم که دستم را بگیرد. یک نخي از خانه تا مسجد بکش و دست به این نخ بگیر و کشان کشان به مسجد بیا. [۳] «إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»

معلوم است که ورشکستگی بد است و آبروریزی است و برای خانواده و بچه هایش سخت است. البته ورشکستگی ها که تقصیر خودش نباشد و تقدیر الهی باشد و مصلحت باشد و نه ورشکستگی ها که تقصیر خودش است و با چک بازی ها ورشکست کرده است. ورشکستگی سخت است، اما آنچه آن را آسان می کند و قرآن می فرماید درود بر تو و دنیا از تو و آخرت از تو و دست عنایت خدا روی سر توست. پس صبر و استقامت کن و بین چطور درست می شود. مثلاً بچه اش می میرد و این خیلی مشکل است. داغ خیلی مشکل است، لذا می گویند داغ علی اکبر برای امام حسین بالاترین مصائب بود. به راستی مشکل است، اما همین داغ است که ناگهان می رسد به آنجا که پروردگار عالم در همین دنیا جبران می کند به اندازه ای که اگر دنیا و آنچه در دنیاست به او بدهند، این جبران خدا بالاتر است. آخرتش هم می رسد به آنجا که او را بدون حساب و کتاب می برند پیش شهدا و حضرت ابوالفضل:

«وَلَتَبْلُوَنَّهُمْ بَشِيئًا مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» [۴]

بگویند خدایا الحمد لله امانتی را به من دادی و صلاح می دانستی این امانت را از من گرفتی. خدا می فرماید درود بر تو. در ادامه این آیه، خدا بر او صلوات فرستاده است:

«أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَدُونَ» [۵]

دست عنایت خدا روی سرش است.

حال اگر جزع و فزع باشد، نه تنها درود بر تو نمی فرستد، بلکه خدا از تو گله می کند که امانت را از تو گرفتم، چرا جزع و فزع می کنی و بعد هم در روز قیامت پاداشی ندارد و آن بهشت و معاشرت با حضرت ابوالفضل را ندارد. آنگاه اگر آدم خوبی باشد، او را به بهشت و اگر آدم بدی

باشد، به جهنم می‌برند. لذا این صبر و استقامت هم دنیا دارد و هم آخرت. هر سه مشکل است. صبر در مقابل مصیبت مشکل است. یک خانمی یک عمر بر بداخلاقی شوهرش صبر کند، مشکل است، اما این خانم یک عمر در خط مقدم جبهه است. آقا یک خانم نق‌نقی داشته باشد و به خاطر خدا صبر کند، این صبرش خط مقدم جبهه است. در روز قیامت در میان شهدایی است که یک عمر جبهه رفته است. سخت است صبر بر بداخلاقی شوهر نسبت به زن و زن نسبت به شوهر، اما پاداشش خیلی بالاست.

اگر راجع به گناه صبر نکنند، در چاه می‌افتد. مثل حضرت یوسف که به قول قرآن اگر پیغمبر نبود، می‌رفت و سقوط می‌کرد:

«وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَن رَّأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهٍ» ۶

اما اگر بتواند در مقابل معصیت پا به معصیت بزند، آنگاه می‌شود حضرت یوسف و بالاتر از حضرت یوسف.

حال مثالی بزنم برای خانم‌ها و البته همه باید چنین باشند. در زمان پیغمبر اکرم خانمی فقط یک بچه دو سه ساله داشت و بچه مریض بود و بچه مُرد و شوهرش برای عملگی رفته بود. این زن مقداری گریه کرد. ناگهان دینش و صبر و استقامتش به او گفت حال اگر گریه کنی بچه زنده نمی‌شود و الان تو باید شوهرداری کنی. الان باید دل شوهر خسته‌ات را به دست بیاوری. بچه را در یک اطاق گذاشت و مہیای شوهرداری داشت. شوهر آمد و سراغ بچه را گرفت. خانم گفت بچه خوب شد. این شوهر استراحت کرد و نمازش را پشت سر پیغمبر خوانده بود و بعد این زن خودش را عرضه داشت برای شوهر و بعد غسل کردند و برای نماز صبح پیغمبر آمدند. مثل اینکه پیغمبر منتظر بود که اینها برای نماز بیایند. وقتی این مرد در صف نماز نشست. پیغمبر اکرم فرمودند مبارک باد دیشب شما. می‌گویند خدا نظیر غسیل الملائکه، یک چنین شهیدی در راه خدا به اینها داد و یک قرۃ العین دنیا و آخرت در آن شب پیدا کردند[۷].

ما باید چنین باشیم، البته به این اندازه نمی‌خواهند، اما باید جزع و فزع و از خود گمشدگی نداشته باشیم. اینطور نباشد که العیاذبالله گله از همه چیز و حتی از خدا باشد. اگر جزع و فزع باشد، ما را بدبخت می‌کند، اگر صبر و استقامت باشد، ما را خوشبخت می‌کند و باید کار کنیم این از خود گمشدگی در صحنه‌ها را از بین ببریم. مثل کوه در مقابل مصائب و مثل کوه در مقابل معصیت و مثل کوه در مقابل عبادات. بعد از این کم‌کم روی آن صبر و استقامت که جزع و فزع را از بین می‌برد، کار کنیم. آن وقت که شیطان و نفس اماره مثل هوی و هوس خواست ما را ببرد، صبر کنیم. این کم کم برای ما ملکه می‌شود. وقتی ملکه شد، در مقابل هر معصیت و در مقابل هم مصیبت و در مقابل هم عبادتی می‌توانیم عرض اندام کنیم. می‌توانیم شام عاشورا، دوازدهم محرم پشت دروازه کوفه نماز شب بخوانیم. می‌شود مثل حضرت زینب که نماز شبش در این مسافرت اصلاً تعطیل نشد. با این همه مصائب و قافله سالاری اما موقع نماز، نماز اول وقت و موقع نماز شب، نماز شب داشت و موقع زجرکشیدن در مصیبت، صبر و استقامت داشت. برسد به آنجا که سر بریده حسین را در مقابل دشمن ببیند، اما دشمن را بگوید مثل اینکه حسین دشمن را کوبیده است. تا اینجا نه، اما به هر اندازه که می‌شود صبر و استقامت داشته باشید. اگر این صبر و استقامت نباشد، زمین می‌خورید. هم دنیا و هم آخرتتان را زمین می‌زنید. مصیبت برایتان آمده و چیزی هم به شما داده نشده است. در مقابل عبادات نیز، آن عبادات از بین می‌رود. بالاتر از این در مقابل معصیت می‌رسد به آنجا که نمی‌تواند آلودگی چشم نداشته باشد یا زبانش را نگاه دارد. هر تهمت و دروغ و شایعه‌ای جلو بیاید، هم گوش می‌دهد و هم می‌گوید.

خوشا به حال کسانی که با صبر و استقامت خود را کنترل کرده و کنترل می‌کنند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱. یوسف، ۹۰: «هر که تقوا و صبر پیشه کند، خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.
۲. الزمر، ۱۰: «شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب [و] به تمام خواهند یافت.
۳. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۶۶.
۴. البقره، ۱۵۵ و ۱۵۶: «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم؛ و مژده ده شکیبایان را: [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم.
۵. البقره، ۱۵۷: «بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه‌یافتگان [هم] خود ایشانند.
۶. یوسف، ۲۴: «و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد».
۷. شرح الاخبار، ج ۲، ص ۲۶.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی معظم له

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir>